



انتخاب شهر کوچک برای توسعه منطقه‌ای با استفاده از مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) در محدوده مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر

اسفندیار زبردست: استناد دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
امین رضاپور: کارشناس ارشد برنامه ریزی منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران*

دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۸ - پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۸، صص ۴۲-۲۳

چکیده

با وجود مهم بودن سیاست استفاده از شهر کوچک در توسعه منطقه‌ای، نظریه‌پردازان و اندیشمندان این حوزه، هیچ‌گونه تعریف واضح و مشخصی از شهر کوچک و نیز نقش‌ها و ویژگی‌هایی که باید در برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشته باشد، ارائه نمی‌دهند. بنابراین، در عمل اجرای سیاست شهر کوچک برای بر طرف نمودن ناتوانی منطقه‌ای به دلیل وجود ابهامات مذکور، نتوانسته موفقیت جامع و کاملی را به دست آورد. بنابراین، زمانی می‌توان به کارکرد بهتر و موثرتر این سیاست دست یافت که درک شود به چه شهری «کوچک» گفته می‌شود و چه شهر کوچکی دارای «قابلیت و توانایی» استفاده در توسعه منطقه‌ای است؟ در این راستا، این مقاله با بررسی متون نظری و تجربیات عملی استفاده از سیاست شهر کوچک نقش‌هایی از قبیل بازار فروش محصولات کشاورزی، توزیع خدمات و کالا، ایجاد اشتغال غیرکشاورزی و جذب مهاجران روستایی را برای شهرهای کوچک در نظر گرفته و در ادامه، از درون مفهوم و ماهیت این نقش‌ها، ویژگی‌هایی مانند ویژگی‌های جمعیتی، اداری، اقتصادی، خدماتی، ارتباطی و جغرافیایی را در قالب چارچوب مفهومی برای «انتخاب» یک شهر کوچک استخراج و معرفی می‌نماید. این پژوهش بوسیله مدل فرآیند تحلیل شبکه (ANP) و با مطالعه مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر، آشکار می‌کند که از ۱۶ شهر موجود در محدوده مطالعاتی، تنها ۶ شهر بر اساس نقش‌ها و ویژگی‌های مذکور، می‌توانند جزو شهرهای کوچک باشند؛ آن هم شهرهای کوچکی که دارای بالاترین ظرفیت و توانایی در اجرای اقدامات و سیاست‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای برای ایجاد توازن و تعادل در سطح محدوده مورد نظر هستند.

واژه‌های کلیدی: سیاست شهر کوچک؛ توسعه منطقه‌ای، نقش شهر کوچک، ویژگی شهر کوچک

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

شهر صنعتی کانون جامعه‌ای نو و سرفصل دوره جدیدی از تاریخ است. در این دوره رشد و توسعه‌ی شهر در سطح بسیار وسیع امکان‌پذیر می‌شود. شهرنشینی و جمعیت شهرها افزایش می‌یابد؛ افزایش تصورناپذیری که با تخلیه روستاها و کاهش جمعیت شهرهای کوچک به نفع توسعه بی‌سابقه شهرهای بزرگ، همراه می‌گردد (شوای؛ ۱۳۷۰). تمرکزگرایی در شهرهای بزرگ، مهمترین دلیل عقب‌افتادگی و بی‌توجهی به شهرهای کوچک و نواحی روستایی می‌شود و در سطح منطقه معضلات و مشکلاتی جدی‌ای را خلق می‌کند؛ معضلاتی همچون توزیع فضایی نامتعادل جمعیت، مهاجرت بی‌رویه با جهت‌گیری از سمت روستا به سوی شهرهای بزرگ، عدم تعادل در توزیع امکانات، فرصت‌ها و نیروهای اقتصادی در سطح منطقه با گرایش مثبت به سمت کلانشهرها و شهرهای بزرگ (فنی ۱۳۸۸؛ ۱۳).

برهم‌خوردگی نظم منطقه و دوگانگی شهر و روستا و آثار نامطلوب آن، موجب جهت‌گیری اندیشه‌ها به سمت «توسعه یکپارچه منطقه‌ای» گردید. این نوع توسعه، نخست از آنجا شروع شد که پس از جنگ جهانی دوم، بازسازی مناطق آسیب‌دیده، مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری و منطقه‌ای قرار گرفت. این طرح‌ها از یک‌سوی به مکان‌یابی فعالیت‌ها، ایجاد قطب‌های صنعتی، احداث شهرهای جدید و از سوی دیگر به بازسازی اقتصاد به‌شدت فلج شده کشورهای جنگ‌زده می‌پرداختند؛ اما به دلیل آنکه این نوع توسعه

صرفاً معطوف به شهر بزرگ بود و دارای یک رویکرد از بالا به پایین است آنچه به دست آورد متأسفانه تشدید شکاف‌های اقتصادی - اجتماعی میان شهر و روستا بود. جهت‌گیری‌های بعدی اندیشمندان، نگرشی از پایین به بالا با تأکید بر پویا نمودن شهرهای کوچک و میانی به برای دستیابی به توسعه یکپارچه منطقه‌ای بود. این نظریه‌پردازان معتقدند به دلیل وجود امکانات شغلی، تعلیم و تربیت و دیگر نیازهای اساسی در شهرهای بزرگ است که این شهرها مقصد نهایی بیشتر مهاجران روستایی و مهاجران شهرهای کوچک شده‌اند؛ بنابراین می‌توان برای پاسخ به این معضل، امکانات و خدمات مشابه با شهرهای بزرگ را در شهرهای کوچک با مقیاس متناسب ایجاد نمود. با این نگرش می‌توان جهت مهاجرت را به سمت شهرهای کوچک تغییر داده و در نهایت پیامد این سیاست، یکپارچگی و توسعه‌یافتگی را در کل منطقه به همراه خواهد آورد.

گرچه می‌توان با کمی اغماض نتایج ادعا شده این سیاست را پذیرفت اما موضوع مهم و قابل‌تأمل آن است که باوجود اینکه استفاده از شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای در نزد نظریه‌پردازان این حوزه، بسیار مهم می‌نماید، ولی این نظریه‌پردازان، در نهایت تعریف مشخص و کاملی از «شهر کوچک» ارائه نمی‌دهند؛ به‌نوعی در نظرات ایشان آشکار نمی‌شود که به چه «سکونتگاهی» شهر کوچک گفته می‌شود؛ و آن هنگام که به مقالات و پروژه‌های انجام‌شده آن‌ها نظاره می‌شود تنها با یک اشاره محافظه‌کارانه به ویژگی شهر کوچک (که معمولاً هم معیاری صرفاً جمعیتی است) مفاهیم راهبردی و سیاستی خود را برای چنین کار مهم

که بتواند شهر کوچک موردنظر برای یک برنامه‌ریزی منطقه‌ای ایده‌ال را انتخاب نماید.

۱-۳- اهداف

هدف از این پژوهش، بازیابی تعریفی از معیارهای انتخابی شهرهای کوچک با توجه به ویژگی توسعه منطقه‌ای و همچنین چگونگی استفاده از ظرفیت بالقوه شهرهای کوچک در راستای ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای است. تأکید می‌شود، شهر کوچکی که در این پژوهش انتخاب خواهد شد بیشترین پتانسیل و ظرفیت را برای پذیرش نقش‌های معرفی شده را خواهد داشت. بنابراین، این مقاله در ابتدا سعی دارد نقش‌هایی را معرفی کند که یک شهر کوچک می‌بایست برای تحقق اهداف برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای داشته باشد و یا باید آن نقش‌ها را بپذیرد. مسلماً این نقش‌ها خود به‌عنوان شاخصی مهم در برگزیدن شهر کوچک موردنظر از میان سایر شهرهای نظام سکونتگاهی قلمداد می‌گردند. باید اضافه نمود که پذیرفته شدن نقش‌های انتخاب شده، خود زمانی اتفاق می‌افتد که شهر، ویژگی‌های پذیرش آن را داشته باشد. بنابراین در ادامه مقاله ویژگی‌های مطلوب یک شهر کوچک برای پذیرش نقش‌های برنامه‌های توسعه منطقه‌ای معرفی می‌گردد. سپس با استفاده از چارچوب نظری به دست آمده، محدوده مطالعاتی بررسی می‌شود در پایان از میان شهرهای موجود در محدود موردنظر، شهرهایی به‌عنوان شهر کوچک انتخاب می‌گردند که توانایی شرکت در توسعه منطقه‌ای را دارا هستند.

و اثرگذار در سطح منطقه ارائه می‌دهند (نگاه شود به Mathure 1982, Richardson 1982, Rondinellie 1983). حال این سؤال پیش می‌آید اگر سکونتگاه‌های شهری کوچک و سیاست‌های مربوط به آن تا این اندازه دارای اهمیت و تأثیرگذار در برنامه‌ریزی توسعه و تمرکززدایی منطقه‌ای هستند، پس چرا تاکنون معیارهای انتخابی واضحی برای آن تعریف و معرفی نشده است (نگاه شود به Lang 2009). بنابراین، نگارندگان این مسئله مهم را مطرح می‌کنند که به چه شهری «کوچک» گفته می‌شود؟ و به زبانی واضح‌تر، آیا هر شهر کوچکی این قابلیت و ظرفیت را دارد که در توسعه منطقه‌ای و برنامه تمرکززدایی استفاده گردد؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت

یک برنامه‌ریزی، زمانی می‌تواند به موفقیت و نتیجه مطلوب دست یابد که محورها و ابعاد اصلی آن روشن و مشخص باشد. مسلماً در صورت عدم شفافیت ابعاد آن، نمی‌توان توقع دستیابی به نتایج مورد انتظار را داشت. سیاست استفاده شهر کوچک در توسعه منطقه‌ای دارای محورها و چارچوب‌های بسیار تأثیرگذار در ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای است؛ اما زمانی که معلوم نیست چه شهری می‌تواند این نقش موردنظر را ایفا کند به‌نوعی اهداف برنامه‌ریزی تحقق نمی‌یابند و در نتیجه مسیر دستیابی خود بی‌نتیجه باقی می‌ماند. بنابراین، لازم است پژوهشی، مشخصاً این موضوع را هدف خود قرار دهد و نقش‌ها و ویژگی‌هایی را که یک شهر کوچک باید در توسعه منطقه‌ای بپذیرد را تعیین کند تا از این طریق به مدلی دست یابد

۱-۴- فرضیه تحقیق

بر اساس متون نظری که در این مقاله ارائه می‌گردد و با توجه به سؤالاتی که در قسمت طرح مسئله مطرح گردید، برای ادامه روند تحقیق عبارت زیر به عنوان فرض پژوهش پذیرفته می‌شود:

به نظر می‌رسد با معیارهایی چون معیارهای جمعیتی، اداری، اقتصادی، خدماتی، ارتباطی و جغرافیایی می‌توان شهرهای کوچک منطقه را انتخاب نمود و آن‌ها را در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای مورد استفاده قرار داد.

۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق کلی در این پژوهش بر پایه «استدلال قیاسی - استقرایی» است. در این راستا، نخست با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، مطالعات نظری انجام و به مرور ادبیات موضوع در ایران و جهان پرداخته می‌شود. سپس معیارهای ارزیابی از درون متون نظری و عملی استخراج می‌گردد؛ با دستیابی به این معیارها، با روش «توصیفی - تحلیلی» هر یک از معیارها در نمونه‌های مطالعه‌ای با بهره‌گیری از ابزارهای گردآوری داده و اطلاعات چون مطالعه میدانی، مشاهده مستقیم، مصاحبه و مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری و بررسی و سپس بر پایه روش «ارزیابی»، از مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) با توجه به انعطاف‌پذیری این روش در به‌کارگیری روش‌های کمی و کیفی به‌طور همزمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در فرآیند ارزیابی این مدل، با تعیین ضریب اهمیت معیارها و زیر معیارها بر اساس نظرات کارشناسان ذی‌ربط و ذی‌نفع، ارزش هر یک از معیارها و زیرمعیارها با توجه به وضعیت نمونه‌های

مطالعه‌ای تعیین می‌گردد. و در نهایت امتیاز نهائی هر یک از شهرهای موجود در محدوده، در راستای هدف مورد نظر تعیین می‌گردد.

۱-۷- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش را می‌توان به گروه‌های جمعیتی، اداری، اقتصادی، خدماتی، ارتباطی و جغرافیایی دسته‌بندی نمود. به‌وسیله این دسته‌بندی، برای هر یک از شهرهای موجود در محدوده مطالعاتی متغیرها و شاخص‌هایی از قبیل میزان جمعیت شهر، میزان جمعیت در حوزه نفوذ شهر، مقیاس عملکردی سازمان‌های اداری در شهر، میزان محصولات تولیدشده در حوزه نفوذ شهر، میزان شاغلین کشاورزی در حوزه نفوذ شهر، وجود سیستم بازار فروش محصولات در شهر، وجود خدمات پایه‌ای در شهر، میزان مرکزیت خدمات در شهر، ویژگی راه دسترسی‌های فیزیکی موجود، میزان جاذبه نسبت به شهر بزرگ و شهرهای اطراف آن معرفی و در قالب یک مدل شبکه‌ای انتخاب و مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

۱-۸- معرفی محدوده مطالعاتی

مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر در استان مازندران و در ناحیه ساری واقع و شامل چهار شهرستان آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر است^۱. حدود جغرافیایی این محدوده، در طول شرقی ۵۱ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۵۹ دقیقه و عرض شمالی از ۳۵

^۱ - محدوده واقعی مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر هنوز تعیین نشده است. در این مقاله محدوده شهرستان‌های این شهرها به عنوان محدوده مقدماتی مجموعه مذکور در نظر گرفته می‌شود.

منتشر گردید، جمعیت محدوده مطالعاتی را ۱.۶۶۵.۳۵۷ نفر است که ۸۳۴.۴۴۴ نفر را مردان و ۸۳۰.۹۱۳ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. ملاحظه می‌شود که نسبت جمعیت مردان و زنان تقریباً برابر یک است (مردان حدود ۴۰۰۰ نفر بیشتر از زنان هستند). جمعیت نقاط شهری این محدوده ۹۸۷.۰۶۶ نفر و جمعیت نقاط روستایی ۶۷۸.۲۹۱ نفر است، که جمعیت نقاط شهری در حدود ۱.۵ برابر جمعیت روستایی است. پس بیشتر جمعیت محدوده مطالعاتی در نقاط شهری ساکن هستند.

۲- مروری بر مفاهیم نظری و تجربیات مرتبط

۲-۱- ماهیت تعریف شهر کوچک

در بسیاری از مطالعات و نظریات برای تعریف شهر کوچک، اندازه جمعیتی مشخصی را برای این نوع از شهرها در نظر گرفته‌اند. به عنوان مثال در کشورهای چون آمریکا شهرهای کمتر از ۵۰.۰۰۰ نفر، در چین کمتر از ۲۰۰.۰۰۰ نفر و در ایران کمتر از ۵۰.۰۰۰ نفر و نیز در نظریه افرادی مانند دنیس راندینلی شهرهای کمتر از ۱۰۰.۰۰۰ نفر و لنگ شهرهای کمتر از ۲۵.۰۰۰ نفر، شهر کوچک قلمداد می‌شوند (زبردست ۱۳۸۳؛ ۱۶ - ۵۸). می‌توان اظهار نمود که تنها شاخصه مشترک این شهرها در این تعاریف، قراگیری در پائین‌ترین سطح جمعیتی در کشور خود است؛ اما اندازه جمعیتی، به عنوان معیاری برای تشخیص شهر کوچک، آن‌هم زمانی که تنوع و تعدد بسیاری در جمعیت و نظام شهری در کشورهای مختلف دیده می‌شود، نمی‌تواند معیاری عادلانه و دقیقی باشد. بسیار مفیدتر خواهد بود که این مراکز را بر اساس نقش و عملکردشان در طیف

درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه قرار دارد. شهرستان آمل؛ در مبادی ورودی استان از تهران قرار گرفته که از شمال به شهرستان محمودآباد، از جنوب به رشته‌کوه البرز و استان تهران، از شرق به شهرستان بابل و از غرب به شهرستان نور محدود می‌شود. شهرستان بابل؛ در ناحیه مرکزی استان مازندران بین ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده که از شمال به شهرستان بابلسر، از جنوب به شهرستان سوادکوه و استان تهران، از شرق به شهرستان قائم‌شهر و از غرب به شهرستان آمل منتهی می‌گردد. شهرستان قائم‌شهر در ناحیه مرکزی استان بین ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۰۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده که از نظر موقعیت از شمال به شهرستان جویبار و بابلسر، از جنوب به شهرستان سوادکوه، از شرق به شهرستان ساری و از غرب به شهرستان بابل محدود می‌شود. شهرستان ساری در ناحیه مرکزی استان مازندران بین ۳۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۵۹ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این شهرستان از شمال به دریای خزر، از جنوب به رشته‌کوه‌های البرز و استان سمنان، از شرق به شهرستان نکا و میاندورود و از غرب به شهرستان‌های جویبار، قائم‌شهر و سوادکوه منتهی شده است. بر اساس آخرین سرشماری‌های کشور که از سوی مرکز آمار ایران

شه‌رنشینان برای دستیابی به شرایط اقتصادی و شغلی بهتر، به سمت کلان‌شهرها مهاجرت نمایند (Henderson and Wang 2007; 283-313). بنابراین، در طی این روند مهاجرتی، روز به روز بر تمرکز و نیز وسعت کالبدی کلان‌شهرها (که غالباً پایتخت بودند) افزوده می‌شد و نیز با تداوم آن، مسائل و مشکلاتی را برای کلان‌شهرها از قبیل رکود اقتصادی، کمبود خدمات کافی، معضلات سکونتی، آلودگی‌های محیطی و ... به ارمغان می‌آورد. (Richardson 1981, Nel 2005, Niekerk and Marais 2008).

در راستا پاسخ به معضلات مذکور، دسته‌ای از نظریات به نام «نظریه‌های توسعه منطقه‌ای»^۳ در دهه ۱۹۵۰ ظهور یافتند. آنچه این نظریات بیان می‌کردند و در همه آن‌ها مشترک می‌نمود، انتقال^۴ منافع توسعه از مراکز بالاتر (کلان‌شهرها) به سطوح پایین‌تر (شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک) بود (Arishi 1991; 32-33). اولین نظریه در این چارچوب، «قطب رشد»^۵ است؛ این نظریه می‌پنداشت که برای حل معضل کلان‌شهرها با تأکید بر برخی از شهرهای بزرگ و نیز تشویق فعالان تولیدی برای به حرکت واداشتن سرمایه‌ها، شهرهای بزرگ می‌توانند در کنار کلان‌شهرها هدف سرمایه‌گذاران اقتصادی شوند؛ نتیجه این حرکت، تغییر مسیر جهت‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجران از کلان‌شهرها به سمت شهرهای بزرگ است و این فرآیند موجبات کاسته شدن تمرکز از کلان‌شهرها را فراهم می‌آورد. نکته مهمی که نظریه قطب رشد بر آن تأکید

گسترده‌ای از کارکردها و فرآیندهایی که می‌توانند در سطح منطقه داشته باشند، در نظر گرفت؛ مانند فراهم آوردن خدمات، تسهیلات و زیرساخت‌ها برای جمعیت و حوزه تحت نفوذ خود (Bell and Jayne 2009; 690). بنابراین، شاید بتوان واضح‌ترین و مشخص‌ترین شناسه جمعیتی را برای شهر کوچک به این صورت معرفی نمود: «مراکز شهری کوچک، یعنی مراکز سطح پائین در سلسله‌مراتب رتبه - اندازه» (Hinderink and Titus 2002; 379)؛ زیرا که شهرهایی که در آخرین سطح سلسله‌مراتب شهری قرار می‌گیرند با حوزه روستایی خود بیشتر در ارتباط هستند.

باید اضافه نمود که تعریف ما از شهر کوچک تنها یک سکونتگاه جمعیتی نیست، بلکه شهری است که قرار است در توسعه منطقه‌ای نقش بپذیرد و اهداف تمرکززدایی در سطح منطقه را در راستای تحقق عدالت و یکپارچگی ممکن سازد. همان‌طور که در مطالب پیشین بیان گشت، هر شهر کوچکی نمی‌تواند در توسعه منطقه‌ای شرکت کند. شهر کوچک باید در حوزه نفوذی قرار گیرد که قابلیت توسعه را بوجود آورد.

۲-۲- تاریخچه استفاده از شهر کوچک در توسعه

منطقه‌ای

توسعه و تمرکز در یک یا چند کلان‌شهر^۲ محدود و از طرفی دیگر، عقب‌افتادگی سایر نقاط کشور، وضعیتی بود که پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و نیافته به آن دچار شده بودند. این وضعیت باعث شد تا بسیاری از روستائیان و

3- Regional Development Theoreis

4- Transport

5- Growth Pole

2- Metropolis

بنابراین، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، از میان نظریات توسعه منطقه‌ای، دیدگاه دیگری که می‌توان آن را با نام «نظریات شهرهای کوچک»^۸ معرفی نمود در مقابل دیدگاه قطب رشد شکل گرفت. این دیدگاه در پی آن بود که به جای نگاه از «بالا به پایین»^۹ قطب رشد و به جای انتظار برای رسیدن مواهب توسعه و اثر پخش به سطوح پایین دست سلسله مراتب شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای را به صورت «پایین به بالا»^{۱۰} انجام دهد. به عبارت روشن‌تر نظریات شهرهای کوچک به دنبال تمرکززدایی از شهر بزرگ با استفاده از تقویت نقش و عملکرد شهر کوچک بودند (Rondinelli 1983, Knesl 1982). طرفداران این نظریه معتقدند، در صورت تأمین نیازهای اساسی و خدماتی در شهر کوچک، مسیرهای مهاجرتی تغییر یافته و به جای شهرهای بزرگ، (این بار) شهرهای کوچک (تر) مقصد نهایی مهاجران روستایی خواهند بود (شکویی ۱۳۸۳؛ ۴۱۴)؛ و انتظار می‌رود با قدرت بخشی به عملکرد بازاری شهرهای کوچک، این مراکز قادر باشند تا دسترسی به بازار فروش محصولات کشاورزی را برای جمعیت روستایی فراهم آورند. همچنین، شهرهای کوچک می‌بایست به‌عنوان مراکز توزیع و پخش فناوری مدرن و سیاست‌های شهرهای بزرگ نیز نقش ایفا نمایند (Owsue 2004; 172). اهدافی که سیاست شهر کوچک دنبال می‌نمود شامل ارتقای کارایی اقتصادی منطقه، افزایش برابری، کاهش فقر، حفظ کیفیت محیطی، افزایش استاندارد زندگی در روستاها و مراکز شهری پایین دست، کاهش مهاجرت به

می‌کند این است که در مراحل بعدی توسعه، به دلیل اتصال شهرهای بزرگ با نواحی شهری اطرافشان (به صورت سلسله‌مراتبی)، مواهب و منافع توسعه اقتصادی این شهرها به مراکز شهری کوچک‌تر پخش و توزیع می‌گردد و در اصطلاح «اثر پخش»^۶ و «رخنه به پایین»^۷ اتفاق می‌افتد؛ و در نهایت این پخشایش در یک بازه زمانی (نامعلوم)، کل منطقه را از آثار توسعه‌یافتگی بهره‌مند می‌نماید (Johnson 1970, Berry 1972, Misra and Sundaram 1978, Rondinelli and Riddle 1978, Rondinelli and Evans 1983, Hinderink and Titus 1988).

اما از اواخر دهه ۱۹۶۰، نظریات قطب رشد به سختی مورد نقد قرار گرفتند؛ این انتقادات به دلیل نتایج ناامیدکننده‌ای بود که در بسیاری از پروژه‌های اجرا شده، ظهور پیدا کردند؛ و محور این انتقادات غیبت اثر پخش اقتصادی بود؛ اثری که این نظریه ادعا می‌کرد توسعه اقتصادی را به مراکز کوچک‌تر انتقال می‌دهد؛ بنابراین، نبود این اثر تمامیت اهداف قطب رشد زیر سوال برد. این تحلیل‌های انتقادی، روشن نمودند که تغییرات اجتماعی و اقتصادی مورد انتظار قطب رشد اتفاق نیفتاده و در بسیاری از موارد حتی ساختار قدرت موجود (بالا به پایین) را بیش از پیش تقویت نموده است (Hinderink and Titus 1988, Satterthwaite and Tacoli 2003)؛ و وضعیتی را که در گذشته کشور به آن دچار شده بود، اکنون «قطب رشد» در مقیاس دیگر، برای شهرهای بزرگ و منطقه‌های آن‌ها بوجود آورده است.

8- Small Cities Theories

9- Top - down

10- Bottom - Up

6- Spread effects

7- Trickle down

365). همچنین به دلیل سازمان نیافتن روابط اداری بین ارگان‌های محلی و سطوح بالاتر، این سیاست نتوانست کشمکش‌های اداری - سیاسی را کاهش دهد و حتی در اغلب موارد نیز آن‌ها را تشدید نمود. علاوه بر فشارهای سیاسی و اداری، فشارهای مالی از سوی دولت ملی نیز وجود داشت؛ زیرا ایجاد خودکفایی و به دنبال آن وجود پایه‌های مالی محدود شهرهای کوچک، ناتوانی کمک‌های مالی عمودی (مالیات‌ها و یارانه‌ها) و نا تعادلی افقی (تفاوت میزان درآمد‌های اجتماعی) را به همراه آورد (Levy and Tapscott 2001). باید این نکته را نیز اضافه نمود که با وجود ایجاد خدمات پایه - ای و اساسی در شهرهای کوچک، کمبود و نبود دسترسی فیزیکی مناسب به این خدمات تأثیرات مهمی بر اجتماعات شهری کوچک و روستایی گذاشت؛ مسلماً چگونگی دسترسی به چنین خدماتی هم کیفیت زندگی و هم توانایی جذب مردم ماهر را تعیین می‌کند (Collits 1999).

با توجه به مطالب گفته شده این نتیجه حاصل می‌شود که در صورت وجود ابهام در ابعاد سیاست شهر کوچک این نوع تمرکززدایی نه تنها مثر ثمر نیست بلکه فشار فزاینده‌ای را برای شهرهای کوچک به ارمغان می‌آورد؛ این مهم روشن می‌سازد که برنامه‌ریزی شهرهای کوچک زمانی موفق است که شرایط و نیازهای منطقه را در نظر بگیرد و همچنین سیاست تمرکززدایی آن با شرایط محلی و حوزه نفوذ شهرهای کوچک به‌طور هوشمندانه‌ای سازگار باشد (Hinderink and Titus 2002; 388). پس زمانی می‌توان یک شهر کوچک را انتخاب نمود که دانسته شود چه نقش‌هایی

شهرهای بزرگ و تمرکززدایی و تعادل منطقه است (Richardson 1981, Owsue 2004).

باید اشاره داشت که نظریه شهرهای کوچک هم نیز نقد گردید اما کلیت آن یعنی استفاده از نقش و عملکرد شهر کوچک در توسعه منطقه‌ای ثابت ماند و در بسیار از پروژه‌ها مورد استفاده قرار گرفت و به عبارت دیگر این نقدها سعی در بهبود و ویرایش نظریه داشتند و نه حذف آن (نگاه شود به Niekerk and Marais 2008, Nel 2005, Collits 1999, Levy and Topscott 2001, Hinderink and Titus 2002).

۲-۳- تبعات ابهام در سیاست شهر کوچک

مهم‌ترین ضعفی که سیاست شهر کوچک داشت ابهامی بود که در ابعاد مفهومی سیاست احساس می‌شد؛ نامعلومی در تعریف، ویژگی و مشخصات شهر کوچک، باعث گردید که اجرای سیاست شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای، آثار و تبعات نامطلوبی را برای این شهرها و حوزه نفوذشان بوجود آورد (نگاه شود به Singh 2005, Heller and Tait 1984, Kalema 2000, Collits 2000, Hinderink and Titus 2002, Niekerk and Marais 2008). در این راستا می‌توان به مواردی اشاره نمود از قبیل اینکه سیاست تمرکززدایی و تفویض اختیاراتی که به شهرهای کوچک از طرف سطوح بالاتر شد پس از مدتی به دلیل کمبود ظرفیت سازمانی در شهر کوچک و مهم‌تر از آن به دلیل نبود ظرفیت و مهارت لازم کارکنان در اجرای این سیاست، قدرت سیاسی را در دست عده‌ای متمرکز می‌نمود که از این ضعف، سود می‌بردند و در نتیجه به‌طور سیستمی بهره و فایده‌ای از این فرآیند به شهر کوچک و شهروندان آن نمی‌رسید (Niekerk and Marais 2008).

دسترسی و استطاعت^{۱۱} برای استفاده از حمل‌ونقل، زیرساخت راه و تسهیلات انبار و تولید، و اتصال این مراکز شهری به شبکه‌های منطقه‌ای و ملی بستگی دارد (Satterthwaite and Tacoli 2003; 13-15).

سهولت دسترسی به بازار، رابطه مستقیمی با شبکه ارتباطی و وسایل مؤثر حمل‌ونقلی دارد. ارتقای کیفیت شبکه ارتباطی برای دسترسی کشاورزان به بازار مراکز شهری کوچک، انگیزه کشاورزان را برای افزایش میزان مازاد تولید بیشتر می‌نماید (Rondinelli 1984, Karaska 1999, Wouden 1997)؛ و باعث ایجاد فرصتی برای خرید و فروش تولیدات کشاورزی می‌شود و به دنبال آن کاهش مهاجرت روستایی را به شهرهای بزرگ به همراه دارد. (Owusu 2004; 173).

حتی اگر بازار مراکز شهری کوچک نتواند نقشی برای فروش محصولات روستایی ایفا کند، اما می‌تواند حداقل نقش مهمی به عنوان بازار محلی که خدمات و امکاناتی را برای ساکنان کم‌درآمد روستایی فراهم می‌آورد، داشته باشد (Satterthwaite and Tacoli 2003; 14). همچنین تمرکز تولید و توزیع خدمات و کالا در مراکز شهری کوچک می‌تواند هزینه حمل‌ونقلی را کاهش و دسترسی را بهبود بخشد و فشارهای مهاجرتی را بر روی مراکز شهری بزرگ‌تر کمتر نماید (Satterthwaite and Tacoli 2003; 1).

۲-۳- نقش شهرهای کوچک به عنوان مراکز توزیع

خدمات و کالا

کالا و خدمات سهم بسزایی در ایجاد اشتغال و درآمدزایی در شهر کوچک و حوزه نفوذ روستایی آن

را قرار است در توسعه منطقه‌ای ایفا کند. همچنین شناخت نقش‌های شهر کوچک، منجر به شناسایی ویژگی‌هایی که آن باید در سطح منطقه و حوزه نفوذ خود دارا باشد، خواهد شد. بنابراین در ادامه پژوهش، نقش‌های اصلی شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای معرفی می‌گردد و متعاقباً از درون نقش‌های معرفی شده ویژگی شهر کوچک موردنظر را استخراج می‌شود.

۳- نقش‌های شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای

نقش‌هایی که قرار است در ادامه به تشریح آن پرداخته شود مسلماً باید به گونه‌ای باشند که بتوانند ابعاد توسعه‌ای را در سطح منطقه فراهم آورند. بنابراین، با توجه به همه جانبه بودن این نوع توسعه، نقش‌هایی به شرح ذیل برای یک شهر کوچک در نظر گرفته می‌شود.

۱-۳- نقش شهرهای کوچک به عنوان بازاری برای

محصولات کشاورزی

فروش محصولات روستایی در شهر کوچک باعث می‌شود که تولیدکنندگان روستایی دیگر مجبور نباشند که برای فروش محصولات خود به شهرهای بزرگ بروند. انتظار می‌رود با قدرت بخشیدن به نقش و عملکرد بازاری شهرهای کوچک و ایجاد دسترسی به آن، درآمد روستاییان افزایش یابد. بنابراین این نقش می‌تواند در دستیابی به اهداف توسعه‌ای ملی موردنظر مانند کاهش فقر، افزایش برابری و عدالت و ارتقای کارایی اقتصادی، مؤثر باشد (Owusu 2004; 172). البته، توانایی مراکز شهری کوچک به عنوان بازاری برای فروش محصولات روستایی، خود به عواملی از قبیل سیستم کشاورزی، دسترسی به منابع طبیعی و کارگر، قابلیت

¹¹- accessibility and affordability

سوی دیگر کشاورزان به بازارهای فروش محصولات روستایی در شهرها وابستگی دارند. همچنین باید افزود که بیشتر ساکنان روستایی به بازارهای خرده‌فروشی و مؤسسات خدماتی در مراکز شهری کوچک نیز تکیه می‌کنند. در نتیجه هم ساکنین روستایی و هم ساکنین شهری برای معاش خود به ترکیب و تلفیق منابع شهری و روستایی وابسته‌اند و این وابستگی تقویت روابط شهر و روستا را در پی دارد (Satterthwaite and Tacoli 2003, Rondinelli 1984).

با توجه به مطالب فوق، یکی از موارد مهم که باید بر روی آن تأکید گردد دسترسی فیزیکی آسان تولیدکنندگان روستایی به خدمات و بازار در مراکز شهری کوچک و در کنار آن نحوه اتصال این مراکز شهری به شبکه‌های منطقه‌ای، ملی و فراملی وسیع‌تر است که تأثیر کلیدی و مهمی بر توسعه منطقه‌ای می‌گذارد (Nel 1999, SAHRC 2007). بنابراین، مکان قرارگیری مراکز شهری کوچک یک معیار بسیار مهم در انتخاب این نوع از شهرها است. بدین منظور در بسیاری از موارد مراکز شهری را در مجاورت راه‌های اصلی، کنار مسیرهای حمل‌ونقلی و رودخانه‌ها، یا در نواحی ساحلی که در ارتباط بهتر با شبکه‌های بازاری وسیع‌تر قرار دارد جانمایی می‌کنند (Satterthwaite and Tacoli 2003; 15).

۳-۳- نقش شهرهای کوچک و شاغلان غیر کشاورز در روستا

ایجاد اشتغال غیر کشاورزی در شهرهای کوچک از اهمیت بالاتری برخوردار است تا اشتغال کشاورزی؛ زیرا ویژگی جمعیتی که از روستاها به سمت شهرها

دارد (Pedersen, 2003). نقش مراکز شهری کوچک و میانی در توزیع خدمات و کالا، قلب برنامه‌ها و سیاست‌های مرکز رشد و مکان مرکزی است. در چارچوب نظریات مکان مرکزی، این نقش بر روی مفهوم سلسله‌مراتب سکونتگاه شهری بنیان‌گذاری شده است، یعنی اندازه شهر نقش کلیدی در نوع خدماتی که توسط مراکز شهری متفاوت ارائه می‌شود، دارد (Mackinnon 2003, Crary 2003). اما شواهد تجربی این موضوع را تأیید نمی‌کنند که اندازه مراکز شهری ربطی به نقش اقتصادی در ارتباط با مناطق پیرامون خود داشته باشند؛ به این دلیل که اندازه شهر، بسیار کم می‌تواند ویژگی ساختار اقتصادی و پتانسیل‌های منطقه و ارتباطات بین مراکز شهری و مناطق روستایی اطرافشان را بیان می‌کند (Satterthwaite and Tacoli 2003; 17). بنابراین، دو عامل تأثیرگذار دیگر را باید برای نوع خدماتی که در شهرهای کوچک به‌عنوان فراهم‌کننده خدمات و کالا برای مناطق روستایی هستند، در نظر گرفت: (۱) ویژگی فعالیت‌های اقتصادی روستا، سطوح درآمدی و قدرت خرید جمعیت روستایی؛ (۲) ظرفیت مؤسسات محلی برای توسعه و توزیع خدمات (Satterthwaite and Tacoli 2003; 18).

ایجاد مراکز توزیع خدمات در مراکز شهری و دسترسی و استفاده از امکانات درمانی، بهداشتی، آموزشی، آب و فاضلاب خود باعث افزایش ارتباط دوسویه میان شهر و روستا می‌گردد؛ زیرا که از یک‌سو، بیشتر مؤسسات شهری به تقاضای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان روستایی و گاهی، به مواد خام روستایی وابسته‌اند و از

موجب مهاجرت می‌شوند. نخستین عامل و دلیل در مهاجرت روستایی این است که اقتصاد کشاورزی سنتی روستاها، دارای ویژگی‌های درآمدی پایینی است و همچنین فرصت‌های شغلی محدودی را ایجاد می‌کند. دومین عامل، تفاوت عمده در استانداردهای زندگی میان نواحی شهری با روستایی است؛ بنابراین جمعیت روستایی تمایل پیدا می‌کند که به سوی مراکز شهری بزرگ‌تر، جایی که می‌پندارد سودهای توسعه حضور دارند و بیشتر در دسترس هستند مهاجرت کند (Arishi 1991; 4).

برای آن که مسیرهای مهاجرتی از شهرهای بزرگ به سمت مراکز شهری کوچک‌تر تغییر کند باید این مراکز جذابیت‌هایی را که شهر بزرگ برای مهاجران فراهم می‌آورد، در مقیاس کوچک‌تر در خود ایجاد نمایند. بنابراین، یکی از نقش‌های کلیدی و بالقوه مراکز شهری کوچک، جذب مهاجران روستایی در منطقه، که در جست‌وجوی اشتغال غیر کشاورزی هستند، است. پیش‌شرط ضروری برای پذیرش این نقش و در ادامه جذب جمعیت مهاجر، اشتغال و تولید کار مخصوصاً در بخش‌های غیر کشاورزی مانند تجارت، خدمات و تولید در شهرهای کوچک است (Satterthwaite and Tacoli 2003; 18, Arishi 1991; 415).

۴- چارچوب نظری و مدل مفهومی مطالعه

با بررسی نظریات و دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با موضوع سیاست شهرهای کوچک، توانسته شد در یک جمع‌بندی مفهومی، نقش‌هایی را برای این شهرها معرفی نمود که با پذیرفتن آن نقش‌ها بتواند در توسعه منطقه‌ای شرکت کند؛ اما پذیرفتن هر نقشی، خود ویژگی‌هایی را می‌طلبد که باید شهر کوچک برآیندی از

مهاجرت می‌کنند معمولاً افرادی هستند که نتوانستند در بخش کشاورزی جذب شوند (Helmsing, 2001). بنابراین، بهتر است شهرهای کوچک چنین فضایی را برای این جمعیت فراهم آورند تا بجای آن‌که شهر بزرگ مقصد نهایی این مهاجران شوند شهرهای کوچک پناهگاهی برای آنان گردند (شکویی ۱۳۸۳؛ ۴۱۴). بدین جهت باید موضوعات کلیدی و پیش‌شرط‌هایی را برای ایجاد اشتغال غیر کشاورزی در مراکز شهری کوچک بررسی نمود؛ از قبیل تشخیص پتانسیلی که در بخش کشاورزی برای حمایت از مؤسسات غیر کشاورزی وجود دارد؛ تضمین این‌که مؤسسات اقتصادی کوچک و بزرگ به بازارها، به منابع سرمایه بیرونی، به آموزش پایه‌ای و اطلاعات فنی ضروری دسترسی داشته باشند؛ در نظر داشتن رقابت با بنگاه‌های اقتصادی بزرگ‌تر از طریق شناخت فرصت‌های محلی؛ حمایت از تجارت و فعالیت‌های شبکه‌ای در مراکز شهری کوچک برای تشویق ارتباط بین اقتصاد روستایی و محلی با اقتصادهای ملی و جهانی؛ و تضمین این‌که مدیریت منابع طبیعی هم به نیازهای فعالیت‌های کشاورزی و هم فعالیت‌های غیر کشاورزی پاسخ دهد (Bah et al 2003, Rogerson 2001, Haggblade et al 2002, Satterthwaite and Tacoli 2003). بنابراین، در صورت رعایت چنین پیش‌شرط‌هایی است که می‌توان به ایجاد فضای شغلی غیر کشاورزی در شهر کوچک امید بست. نتیجه این نقش، کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ را نیز در پی دارد.

۳-۴- نقش شهرهای کوچک و مهاجرت روستا به شهر: قدم اول برای کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ شناسایی عوامل و دلایلی هستند که

ارتباطی و جغرافیایی را در راستای نقش‌پذیری شهر کوچک در نظر گرفت که در جدول شماره یک شاخص‌های هریک از این ویژگی‌ها معلوم و معرفی شده است. تأکید می‌شود شهری که سهم بیشتری از ویژگی‌های ذیل را داشته باشد بالاترین ظرفیت را برای نقش‌پذیری در سیاست توسعه منطقه‌ای خواهد داشت.

آن‌ها را در خود داشته باشد. در این مقاله بر اساس متون مطروحه، نگارندگان ویژگی‌هایی را با توجه به نقش‌های بیان‌شده برای شهر کوچک در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در نظر می‌گیرند. با دقت در بررسی‌های صورت گرفته می‌توان شش ویژگی عمده یعنی ویژگی‌های جمعیتی، اداری، اقتصادی، خدماتی،

جدول ۱: معرفی ویژگی‌ها و شاخص‌های شهر کوچک

ویژگی‌های شهر کوچک	شاخص‌های مربوط به ویژگی شهر کوچک	نظریه‌پردازان
ویژگی‌های جمعیتی	در سطح پایین سلسله‌مراتب جمعیت شهری منطقه خود قرار دارد	Hinderink and Titus 2002
	میزان جمعیت در حوزه نفوذ شهر بالا است	Richardson 1981, Owsue 2004
ویژگی‌های اداری	سازمان‌های اداری در شهر وجود دارد	Heller and Tait 1984
	سازمان‌های اداری در شهر در ارتباط با حوزه نفوذ هستند	Levy and Tapscott 2001
	سازمان‌ها دارای ارتباط اداری - سیاسی با سطوح بالاتر هستند	Niekerk and Marais 2008
ویژگی‌های اقتصادی	میزان محصولات تولیدشده در حوزه نفوذ شهر بالاست	شکویی (۱۳۸۳)
	فضای اشتغال غیر کشاورزی در شهر فراهم است	Helmsing 2001, Hagblade et al 2002
	سیستم بازاری برای فروش محصولات روستایی وجود دارد	Satterthwaite and Tacoli 2003
ویژگی‌های خدماتی	خدمات پایه‌ای در شهر وجود دارد	Satterthwaite and Tacoli 2003, Collits 1999
	کاربری‌های خدماتی در شهر به حوزه نفوذ خدمات‌رسانی می‌کنند	MacKinnon 2003, Crary 2003
ویژگی‌های ارتباطی	راه دسترسی‌های فیزیکی موجود دارای کیفیت مطلوبی است	Rondinelli 1984, Wouden 1997
	دارای ارتباط مؤثر با شهرهای میانی و بزرگ است	Karaska 1999
	دارای ارتباط سریع و آسان با حوزه نفوذ خود است	Owusu 2004
ویژگی‌های جغرافیایی	مکان قرارگیری شهر خلأ فضایی در سطح منطقه را پر می‌کند	Satterthwaite and Tacoli 2003, Rondinelli 1983

حاصل گشت که با افزایش شاخص تمرکز هرفیندال، کاهش شاخص عدم تمرکز آنتروپی و شیب بیش از یک رابطه رتبه - اندازه، محدوده موردنظر دارای تمرکز و توسعه نامتوازن است^{۱۲}؛ بنابراین، برای پاسخ به معضل توسعه نیافتگی این محدوده، در این مقاله

۵- معرفی نمونه مطالعاتی (مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر) پر واضح است زمانی می‌توان در ارتباط با توسعه دادن یک منطقه صحبت به میان آورد که منطقه، خود دارای معضل تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی منطقه‌ای باشد. در این راستا با بررسی‌های انجام‌شده در محدوده مورد مطالعه یعنی مجموعه شهری چهار شهرستان آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر در استان مازندران و نیز با استفاده از مدل‌های هرفیندال، آنتروپی و رتبه - اندازه، این نتیجه

^{۱۲} - محاسبات مربوط به مدل‌های تمرکز هرفیندال، شاخص آنتروپی و نمودار رتبه - اندازه در پیوست شماره یک آورده شده است.

از شاخص‌های معرفی شده در جدول شماره یک بررسی می‌گردد. در جدول شماره ۲، اسامی شهرهای مورد مطالعه، ویژگی‌های جمعیتی، اداری، اقتصادی، خدماتی، ارتباطی و جغرافیایی هر یک از آن‌ها معرفی و بررسی می‌گردد. این شهرها بر اساس سلسله‌مراتب اندازه جمعیتی مرتب شده‌اند. لازم به ذکر این نکته است که اگر به مانند نظریه‌ها، پروژه‌ها و برخی از کارهای تحقیقاتی دیگر که تنها معیار جمعیتی (یعنی شهرهای کوچک‌تر از ۵۰.۰۰۰ نفر) ملاک اصلی برای انتخاب شهر کوچک می‌بود، به جز چهار شهر اصلی، همگی ۱۲ شهر باقی مانده به عنوان شهر کوچک تلقی می‌گشت؛ ولی اکنون باید دید که آیا با در نظر گرفتن معیارها و شاخص‌های معرفی شده باز هم چنین نتیجه‌ای حاصل می‌گردد.

سیاست شهر کوچک در توسعه منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مجموعه شهری محدوده مطالعاتی، ۱۶ نقطه شهری را در خود جای داده است که در این بین، ۴ شهر یعنی شهرهای آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر هم در بحث‌های جمعیتی و مهاجرتی و هم در بحث‌های اقتصادی، اداری و سیاسی، دارای ویژگی‌هایی خاصی هستند که این شهرها را از سایر نقاط سکونتگاهی موجود متمایز و به شهرهای غالب و مسلط محدوده مورد نظر تبدیل کرده است. به همین دلیل طبیعتاً در راستای موضوع انتخاب شهر کوچک، از ۱۲ شهر باقی مانده صحبت به میان آورده می‌شود و تحلیل‌های مقاله پیش رو، در ارتباط با این شهرها صورت می‌پذیرد.

در جدول شماره ۲ که تجمیعی از اطلاعات به دست آمده از محدوده مطالعاتی است، میزان و مقدار هر یک



شکل ۱: نقشه محدوده مطالعاتی و مکان سکونتگاه‌های شهری در آن

جدول ۲: اطلاعات کمی و کیفی شاخص‌های انتخابی شهرهای محدوده مطالعاتی

شهر	جمعیت شهری*	میزان جمعیت در حوزه نفوذ شهر	وجود سازمان‌های اداری در شهر	مقیاس عملکردی سازمان‌های اداری در شهر	ارتباط ادارات با سطوح بالاتر	میزان اشتغالزایی تولیدشده در حوزه نفوذ شهر (زین)	میزان اشتغالزایی کشاورزی در حوزه نفوذ شهر	وجود سیستم بازار فروش محصولات در شهر	وجود خدمات پایه‌ای در شهر	میزان مرکزیت خدمات در شهر	ویژگی راه دسترسی‌های فیزیکی موجود	میزان جایزه نسبت به شهر بزرگ	میزان جایزه نسبت به شهرهای اطراف	بر کردن شاخص فضایی در سطح منطقه
امیرکلا	۲۸۰۸۶	۱۲۱۴۳	دارد	فرا شهری	دارد	۵۳۶۵	۹۶۵۲	دارد	ندارد	۶۳۹	آسفالته	۸۳۸۶	۳۳۰۶	+
کیاکلا	۷۶۹۱	۱۲۵۳۴	دارد	فرا شهری	ندارد	۲۹۳۴۷	۱۰۰۱۲	دارد	دارد	۵۰۰	آسفالته	۱۰۰	۵۴۰۵	+
گناب	۷۲۴۲	۱۱۳۹۵	دارد	فرا شهری	دارد	۹۸۳۳۶	۸۸۴۷	دارد	ندارد	۵۰	آسفالته	۹۹۸	۲۰۹۷	+
خشروودی	۳۳۱۷	۴۳۲۱	دارد	شهری	ندارد	۱۰۰۴۳	۲۸۷۳	دارد	دارد	۲۰۰	آسفالته	۲۷۰	۷۰۹	+
کیاسر	۲۸۳۷	۵۳۲۳	دارد	شهری	دارد	۱۰۱۲۱	۳۷۹۲	ندارد	دارد	۸۰۰	آسفالته	۸۹۷۸	۵۰	+
گل‌گناه بابل	۲۶۴۳	۵۲۴۳	دارد	فرا شهری	ندارد	۱۹۳۲	۳۸۷۹	ندارد	دارد	۲۴۴	آسفالته	۱۸۲	۶۲۸	+
دابودشت	۱۱۶۹	۴۶۶۸	دارد	شهری	ندارد	۴۱۳۴۳	۲۸۴۳	دارد	ندارد	۰	آسفالته	۸۹۷۷	۱۲۴۸	+
رینه لاریجان	۷۸۲	۴۵۶۷	دارد	فرا شهری	دارد	۳۱۴۰۵۸	۲۳۱۴	دارد	دارد	۵۱۷	آسفالته	۸۰۷	۵۸۳۶	+
مرزیکلا	۵۵۵	۳۴۴۲	دارد	فرا شهری	دارد	۶۴۲۳	۲۱۰۲	ندارد	ندارد	۳۵۶	آسفالته	۰۸۸	۱۰۱۲	+
زرگر محله	۴۲۳	۲۸۵۴	دارد	شهری	ندارد	۹۰۵۴	۱۱۰۳	ندارد	ندارد	۱۱	آسفالته	۰۷۶	۱۰۴۷	+
فریم	۲۷۲	۳۵۶۵	دارد	شهری	ندارد	۶۵۰۴۵	۱۸۸۹	دارد	دارد	۱۰۰	آسفالته	۱۰۲۲	۵۰	+
گزینک	۲۰۰	۳۴۲۲	دارد	شهری	ندارد	۲۷۵۰۸	۱۹۸۲	دارد	دارد	۴۸۳	آسفالته	۲۰۱۶	۲۹۲۶	+

* استخراج شده از سایت مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۰

** استخراج شده از طرح آمایش سرزمین استان مازندران ۱۳۸۸

*** استخراج شده از سالنامه آماری استان مازندران ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

**** استخراج شده از برنامه چهارم توسعه استان مازندران ۱۳۸۴

***** محاسبات نگارندگان با استفاده از شاخص مرکزیت و مدل جاذبه نیوتن

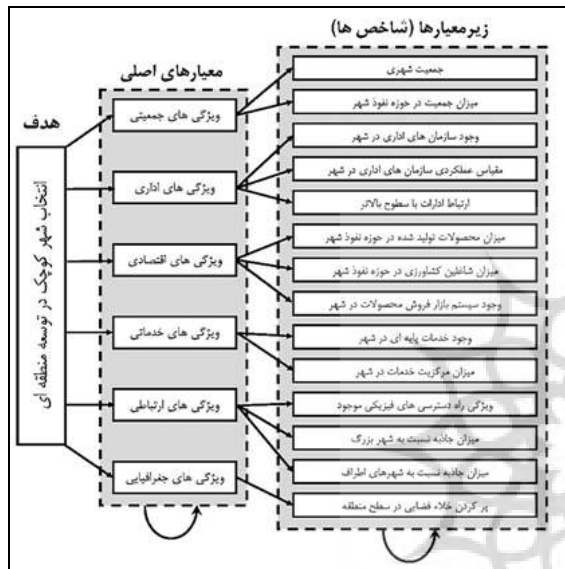
۶- به کارگیری مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) برای انتخاب شهر کوچک

فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) که توسط توماس ساعتی^{۱۳} ارائه گردیده، ارتباطات پیچیده را بین و میان عناصر تصمیم، در نظر می‌گیرد. هدف روش فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) برطرف نمودن محدودیت‌های روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) از طریق جایگزینی ساختار سلسله مراتبی با ساختار شبکه‌ای است. فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) هر موضوع و مسئله‌ای را به مثابه «شبکه» ای از معیارها، زیر معیارها و گزینه‌ها که

با هم در خوشه‌هایی^{۱۴} جمع شده‌اند، در نظر می‌گیرد (زبردست ۱۳۸۹؛ ۸۰ - ۸۲). به‌طور کلی مراحل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) عبارت‌اند از:

- ساخت مدل و تبدیل مسئله (موضوع) به یک ساختار شبکه‌ای
- تشکیل ماتریس مقایسه دودویی و تعیین بردارهای اولویت
- تشکیل سوپر ماتریس و تبدیل آن به سوپر ماتریس حد
- انتخاب گزینه برتر

کوچک در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است، هر چه میزان عددی امتیاز گزینه مورد نظر (که در اینجا شهر است) بیشتر باشد آن شهر برای شرکت در توسعه منطقه‌ای و برنامه‌های تمرکززدایی شهر کوچک مناسب‌تر است.



شکل ۲: مدل شبکه‌ای پیشنهادی

در راستای مطالب فوق‌الذکر، مدلی شبکه‌ای برای دستیابی به انتخاب شهر کوچک از میان شهرهای موجود در محدوده مطالعاتی به صورت نمودار شماره یک ارائه می‌گردد. با استفاده از این نمودار و استفاده از مدل فرآیند تحلیل شبکه (ANP) و همچنین با مصاحبه‌ای که از متخصصان و استادان این حوزه شده به اجرای مدل پرداخته می‌شود؛ در نهایت امتیازهای به دست آمده برای هر یک از شهرها موجود در منطقه به شرح جدول ۲ و ۳ است -- به دلیل آنکه اهمیت اصلی این مقاله در ارائه نقش‌ها و ویژگی‌های انتخاب شهر کوچک است و بیشتر مباحث مطروحه به بررسی و تعیین این مفاهیم اختصاص داده شد لذا چگونگی اجرای مدل و فرآیندهای مربوط همچون امتیازهای به دست آمده برای هر یک از معیارها و زیر معیارها در پیوست شماره ۲ آورده می‌شود؛ زیرا که اهمیت موضوعی بررسی این مدل در اولویت پائین‌تری قرار دارد و تنها به ارائه نتایج استفاده از این مدل اکتفا می‌گردد. - با توجه به هدف مدل که همان انتخاب شهر

جدول ۳: امتیاز تحلیل شبکه هر شهر در محدوده مطالعاتی

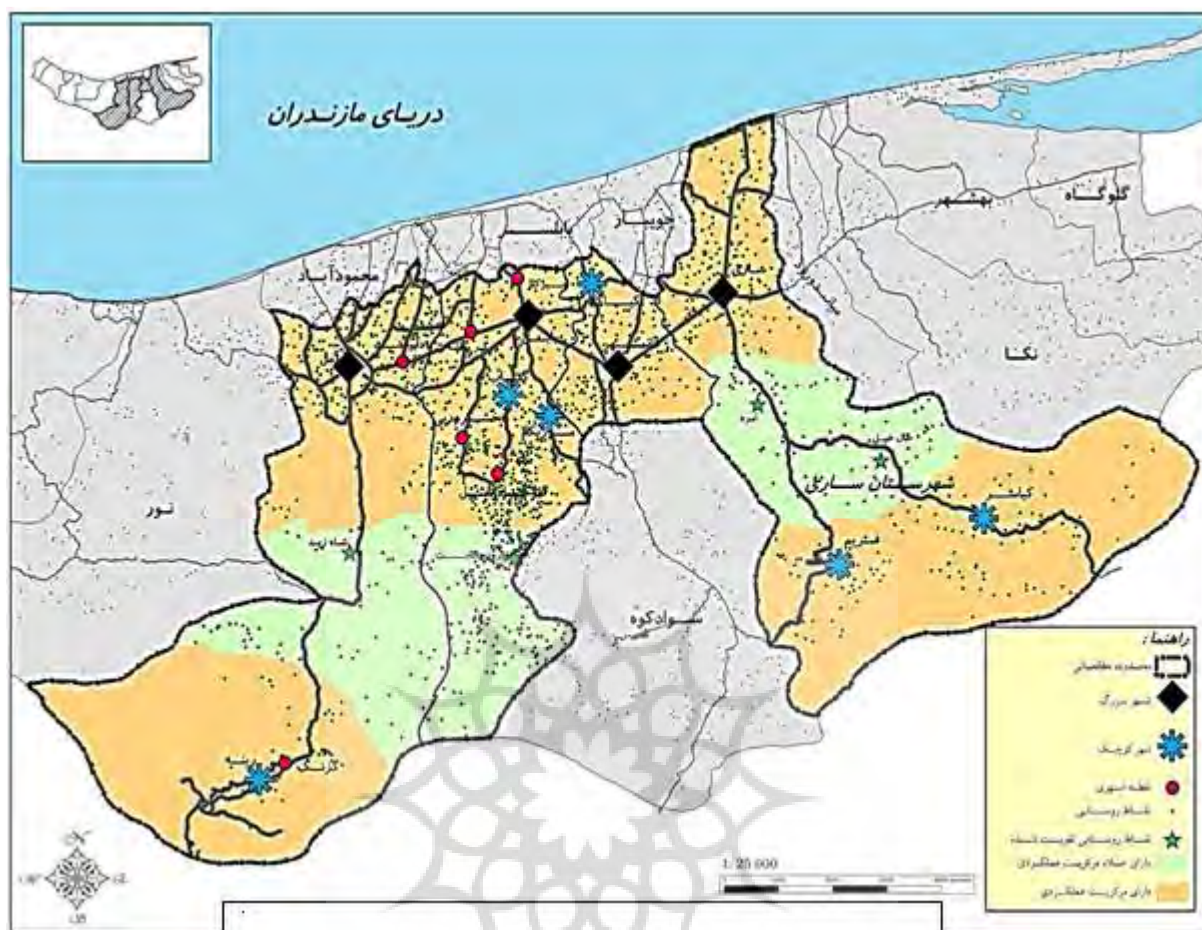
رتبه	شهر	وزن هر خوشه	وزن حد داده شده
۱	کتاب	۰.۱۳۴۲۹	۰.۰۲۴۵۰۹
۲	مرزیکلا	۰.۱۱۲۶۳	۰.۰۲۰۵۵۴
۳	امیرکلا	۰.۰۹۲۵۱	۰.۰۱۶۸۸۴
۴	رینه	۰.۰۸۸۵۱	۰.۰۱۶۱۵۳
۵	کیاکلا	۰.۰۷۸۷۸	۰.۰۱۴۳۷۸
۶	گلوگاه بابل	۰.۰۷۴۲۸	۰.۰۱۳۵۵۶
۷	دابودشت	۰.۰۸۰۳۳	۰.۰۱۴۶۶
۸	کیاسر	۰.۰۶۹۰۸	۰.۰۱۱۹۶۸
۹	فریم	۰.۰۶۵۵۸	۰.۰۱۲۶۰۷
۱۰	گزرتک	۰.۰۷۰۲	۰.۰۱۲۸۱۱
۱۱	خشروندی	۰.۰۶۶۵۵	۰.۰۱۲۱۴۵
۱۲	زرگر محله	۰.۰۶۷۲۹	۰.۰۱۲۲۸

جدول ۴: امتیاز تحلیل شبکه هر شهر به تفکیک شهرستان

شهرستان	شهر	امتیاز	شهرستان	شهر	امتیاز
بابل	گتاب	۰.۱۳۴۲۹	آمل	رینه	۰.۰۸۸۵۱
	مرزیکلا	۰.۱۱۲۶۲		دابودشت	۰.۰۸۰۳۳
	امیرکلا	۰.۰۹۲۵۱		گزنک	۰.۰۷۰۲
	گلوگاه بابل	۰.۰۷۴۲۸	قائم‌شهر	کیاکلا	۰.۰۷۸۷۸
	خشروچی	۰.۰۶۶۵۵	ساری	کیاسر	۰.۰۶۹۰۸
	زرگرمحله	۰.۰۶۷۲۹		فریم	۰.۰۶۵۵۸

بنابراین، بر اساس آنچه گفت شد از میان ۱۲ شهر موجود در منطقه، شهرهایی را که توانستند امتیاز بالاتری را در فرآیند تحلیل شبکه به خود اختصاص دهند، دارای اولویت بالاتری هستند تا به‌عنوان شهر کوچک در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به ایفای نقش پردازند. باید افزود که برای دستیابی به نتیجه بهتر مرز اداری - سیاسی شهرستان‌های آمل، بابل، ساری و قائم‌شهر در نحوه انتخاب شهر کوچک دخالت داده می‌شود بنابراین شهر رینه لاریجان در شهرستان آمل، شهرهای گتاب و مرزیکلا در شهرستان بابل، شهر کیاکلا در شهرستان قائم‌شهر، و در نهایت شهرهای کیاسر و فریم در شهرستان ساری، به‌عنوان شهرهای کوچک انتخاب می‌شوند. باید تأکید کرد ویژگی اصلی و عمده این شهرها آن است که قابلیت استفاده در برنامه‌ریزی توسعه و تمرکززدایی منطقه‌ای را در راستای مفاهیم «نظریات شهر کوچک» دارند و می‌توانند بالاترین عملکرد و کارکرد را از نظر برنامه‌ریزی فضایی ایفا نمایند.

در ادامه با استفاده از مفاهیم شهر کوچک در برنامه‌ریزی، می‌توان نقش‌ها و سیاست‌هایی مانند ایجاد بازار فروش محصولات کشاورزی و تکمیل خدمات روزانه و هفتگی مورد نیاز ساکنین که در قسمت مفاهیم نظری معرفی گردید را برای شهرهای رینه، گتاب، مرزیکلا، کیاکلا، کیاسر و فریم در نظر گرفت. همچنین برای پر نمودن خلأ عملکردی موجود در مناطق مشخص شده در تصویر شماره ۲، روستای شاه زید در بخش مرکزی شهرستان آمل، روستای فیروزجاه ثابت از بخش بندپی شرقی شهرستان بابل و روستای امره از بخش کلیجان رستاق و روستای خال خلیل از بخش چهاردانگه شهرستان ساری نیز تقویت می‌گردند. لازم به ذکر است که معیار انتخابی این روستاها در این تحقیق صرفاً جمعیتی و نزدیکی به شبکه ارتباطی اصلی است. باید اشاره کرد که مراحل سیاست‌گذاری و نحوه اجرای سیاست شهر کوچک خود نیاز به پژوهشی جداگانه دارد، اما این موضوع از حوصله ابعاد بررسی مقاله حاضر خارج و نیازمند به بحثی مجزا و مکفی دارد.



شکل ۲: سازمان فضایی پیشنهادی برای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای

۴- نتیجه‌گیری

هستند. بنابراین، پس از مطالعه متون نظری چهار نقش اساسی و پایه‌ای که یک شهر کوچک باید در برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشته و یا آن نقش‌ها را بپذیرد، معرفی شد. این نقش‌ها شامل موارد ذیل است:

- بازار فروش محصولات کشاورزی
- توزیع خدمات و کالا
- ایجاد اشتغال غیرکشاورزی
- جذب مهاجران روستایی

اما نکته حائز اهمیتی که در این مقاله بدان اشاره شد این است که پذیرفتن نقش برای یک شهر، زمانی است

مقاله پیش رو، پس از زیر سوال بردن ابهامی که در نظریات و تجربیات مختلف در ارتباط با شهر کوچک وجود دارد، این سوال را مطرح نمود که آیا هر شهری صرفاً با اطلاق نام کوچک می‌تواند در توسعه منطقه‌ای شرکت کند. در این راستا این مقاله به این مهم می‌پردازد که شهری می‌تواند به عنوان شهر کوچک در توسعه منطقه‌ای فعالیت کند که دارای یک سری از نقش‌ها باشد؛ زیرا که این نقش‌ها هستند که تعیین می‌کنند کدام شهرها قادر به استفاده در سیاست مورد نظر

نتیجه‌گیری هر چه بهتر، در شهر کوچک در محدوده مطالعاتی مورد استفاده قرار گیرد:

✓ تقویت عملکردی و کارکردی روستای شاه زید در بخش مرکزی شهرستان آمل، روستای فیروزجاه ثابت از بخش بندپی شرقی شهرستان بابل و روستای امره از بخش کلیجان رستاق و روستای خال خلیل از بخش چهاردانگه شهرستان ساری

✓ فراهم آوردن خدمات آموزشی، درمانی، فرهنگی، مذهبی و ورزشی در شهرهای کوچک

✓ توسعه خدمات فنی و تخصصی برای سرمایه‌گذاران کشاورزی مانند مرکز پشتیبان فعالیت های کشاورزی در زمینه بذر، کود و ماشین آلات در شهرهای کوچک

✓ ایجاد بازار هفتگی برای فروش محصولات روستایی در شهرهای کوچک

✓ ایجاد مراکز فنی و حرفه ای به منظور تربیت نیرو انسانی ماهر در زمینه کشاورزی و غیر کشاورزی

منابع

برنامه آمایش سرزمین استان مازندران، معاونت برنامه‌ریزی استان مازندران، ۱۳۸۸

برنامه چهارم توسعه استان مازندران، مصوب شورای برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۸۴

زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳)، اندازه شهر، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، وزارت راه و شهرسازی

که آن شهر خود دارای ویژگی‌هایی باشد که آمادگی لازم برای پذیرفتن نقش‌های معرفی شده را فراهم آورد. آنچه در تجربیات مختلف مرسوم و رایج است انتخاب شهر کوچک تنها بوسیله ویژگی جمعیتی است؛ این بدان معنی است که اگر با این دیدگاه برای محدوده مورد نظر سیاست استفاده شهر کوچک انجام شود تمامی شهرهای موجود در منطقه به عنوان شهر کوچک انتخاب می‌شوند. اما پس از مطالعات متون نظری و تجربی در این مقاله، علاوه بر ویژگی جمعیتی ویژگی‌های دیگری چون ویژگی‌های اداری، اقتصادی، خدماتی، ارتباطی و جغرافیایی نیز به عنوان ویژگی‌های شهر کوچک انتخاب شد. در این راستا برای انتخاب شهر کوچک از میان ۱۶ شهر موجود در مجموعه شهری آمل، بابل، ساری و قائمشهر، از مدل تحلیل فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) استفاده شد. معیارهای انتخابی برای اجرای این مدل همان ویژگی‌های معرفی شده و زیرمعیارهای انتخابی همان شاخص‌های هر یک از این ویژگی‌ها است. بنابراین، توسط مصاحبه‌ای که با متخصصین این امر صورت گرفت برای هر یک از معیارها و زیرمعیارها رابطه درونی و بیرونی‌شان کشف و در نهایت امتیازبندی شد. نتیجه این مدل آن است که هر شهری که دارای امتیاز بالاتری است، بالاترین ظرفیت و توانایی را برای شرکت در توسعه منطقه ای داراست. پس از محاسبه مدل تحلیل شبکه‌ای، برای محدوده مطالعاتی از میان شهرهای موجود، تنها ۶ شهر رینه، گتاب، مرزیکلا، کیاکلا، کیاسر و فریم می‌توانند به عنوان شهر کوچک در نظر گرفته شوند. پیشنهاد می‌گردد پس از انتخاب شهر کوچک راهبردهای زیر برای

- Crary, D. (2003). Small towns struggle to find dentists, Los Angeles Times, 28 September 2003, page 5.
- Haggblade, S, P Hazell and T Reardon (2002) Strategies for stimulating poverty-alleviating growth in the rural non-farm economy in developing countries, EPTD Discussion Paper 92, IFPRI, Washington DC
- Heller, P. S., & Tait, A. A. (1984). Government employment and pay: Some international comparisons, IMF Occasional Papers, International Monetary Fund, Washington D.C.
- Helmsing, AHJ (2001) Partnerships, meso-institutions and learning: new local and regional economic development initiatives in Latin America, Institute of Social Studies, The Hague, Netherlands
- Henderson J.V. and Wang H.(2007), Urbanization and city growth: The role of institutions, Regional science and urban Economics, Vol 37,
- Hinderink, J., Titus, M. J. (1988), Paradigms of Regional Development and the Role of Small Centers Development and Change (SAGE, London, Newbury Park, Beverly Hills and New Delhi), Vol. 19 401-423.
- Hinderink, J., Titus, M. J. (2002). Small towns and regional development: Major findings and policy implications from comparative research. Urban Studies, 39(4),
- Johnson, E.A.J. (1970) The Organization of Space in Developing Countries. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Kalema, R. (2000). Intergovernmental relations in South Africa: a comparative analysis, Paper delivered at the Konrad-Adenauer-Stiftung Conference on Provincial Government in South Africa, August 2000, Umtata, South Africa.
- Karaska, G.j. (1999): The regional structures of third world economies: rural-urban dynamics in Kenya and Madagascar, Enviroment and Planning, Vol 31
- Knesl, J, (1982)Town and Country in Development from Below: the Emerging Paradigm for the Decade", Ekistics, No.292,
- زبردست، اسفندیار(۱۳۸۹)، کاربرد فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۱
- سالنامه آماری استان مازندران(۱۳۸۵)، استانداری مازندران، معاونت برنامه‌ریزی،
- سالنامه آماری استان مازندران(۱۳۹۰)، استانداری مازندران، معاونت برنامه‌ریزی،
- شکویی، حسن(۱۳۸۳)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران، چاپ هفتم
- شوای، فرانسواز (۱۳۷۵)، شهرسازی: تخیلات و واقعیات، حبیبی سید محسن، دانشگاه تهران، چاپ اول
- فنی، زهره (۱۳۸۸)، شهرهای کوچک: رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، انتشارات آذرخش، چاپ اول
- Arishi, M.A. (1991): Toward a Development Strategy - The role of Small Towns in Urbanization & Rural Development Planning, Department of Geography University of Salford
- Bah, M, S Cissé, B Diyamett, G Diallo, F Lerise, D Okali, E Okpara, J Olawoye and C Tacoli (2003) Changing rural-urban linkages in Mali, Nigeria and Tanzania, in Environment and Urbanization
- BELL, D. JAYNE. M (2009): Small Cities? Towards a Research Agenda, International Journal of Urban and Regional Research, Volume 33.3
- Berry, B.J. (1972) 'Hierarchical Diffusion: The Basis of Developmental Filtering and Spread in a System of Growth Centres', in P.W. English and R.C. Mayfield (eds) Man, Space and Environment pp. 340-59. Oxford: Oxford University Press.
- Collits, P. (2000). Small town decline and survival: Trends, success factors and policy issues, Paper presented at the Future of Australia's Country Towns Conference at La Trobe University, Bendigo, Australia, June 2000.

- Rondinelli, A.Dennis, Towns and small cities in developing countries, *Geographical Review*, Vol. 73, 1983
- Rondinelli, D.A. (1983) *Secondary Cities in Developing Countries: Policies for DifSusing Urbanization*. London and Beverly Hills: Sage.
- Rondinelli, D.A. and Evans, H. (1983) 'Integrated Regional Development Planning: Linking Urban Centres and Rural Areas in Bolivia', *World Development* 1
- Rondinelli, D.A. and Ruddle, K. (1978) *Urbanization and Rural Development: A Spatial Policy for Equitable Growth*. New York: Praeger.
- Rondinelli, Dennis A. "Small Towns in Developing Countries: Potential Centers of Growth, Transformation and Integration." In *Equity with Growth? Planning Perspectives for Small Towns in Developing Countries*, eds. H.D. Kammeier and P.J. Swan (Bangkok: AIT, 1984):
- Rondinelli, Dennis, *Cities, Market town and Agriculture Development, Regional Development Dialogue*, Vol.5, No1, 1984.
- Satterthwaite, D. Tacoli .C (2003): *The urban part of rural development: the role of small and intermediate urban centers in rural and regional development and poverty reduction*, International Institute for Environment and Development (IIED).
- Singh, A. (2005). *Development perspectives: Is Africa different? From "Government" to "Governance" in Africa: Implications for and from Local Government in South Africa*, Biennial Conference of the Economic Society of South Africa, 7-9 September 2005, Durban, South Africa.
- South African Human Rights Commission (SAHRC) (2007). *The right to have access to health care services*. Pretoria: SAHRC.
- Wouden, A.A (1997): *Three small towns in Central Java*, Netherlands *Geographical Studies*
- Lang, M. (1999). *Priorities and problems of Small-Town Governance in Michigan*. East Lansing: MSU.
- Levy, N., Tapscott, C. (Eds.) (2001). *Intergovernmental relations in South Africa: The challenges of cooperative government*. Cape Town: IDASA and School of Government, University of the Western Cape.
- MacKinnon, J. (2003). *Planning for Small Towns (from a National Perspective)*, Speech by Chief Planner for the Scottish Executive at the SusSET 4th Major Conference, 31 August 2003, Inverurie, Scotland.
- Mathure, O. M. Prakask, *Small Cities and National Development*, UNCRD, 1982
- Misra, R.P. and Sundaram, K.V. (1978) 'Growth Foci as Instruments of Modernization in India', in Kuklinski (ed.),
- Nel, E. L. (1999). *Regional and local economic development in South Africa: The experience of the Eastern Cape*. Aldershot: Ashgate.
- Niekerk, J. Marais, L (2008) :*Public Policy and Small Towns in Arid South Africa: The Case of Philippolis*, *Urban Forum*
- Owsue .G (2004) *Small towns and decentralized development in Ghana Theory and practice*, Institute Afrika-Kunde, Hamburg, Vol 35
- Pedersen, PO (2003): *The implications of national level policies on the development of small and intermediate urban centers*, IIED, London
- Richardson, H., *Policies for strengthening small cities in development countries*, UNCRD, Nagoya, Japan, 1982
- Rogerson, CM (2001) *In search of the African miracle: debates on successful small enterprise development in Africa*, in *Habitat International*
- Rogerson, CM (2001) *In search of the African miracle: debates on successful small enterprise development in Africa*, in *Habitat International* 25